



چالش‌های مدیریت ریسک در تقابل با بازارهای بی‌ثبات
(مطالعه موردی بحران مالی اخیر)

حسنعلی قنبری *

* مدیرعامل بانک سپه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۴۹	چکیده.....
۱۵۰	مقدمه.....
۱۵۰	۱- تقویت ضربه گیرهای سرمایه (سرمایه احتیاطی).....
۱۵۲	۲- مفهوم مدیریت ریسک و طبقه بندی انواع ریسک ها در فعالیت های بانکی.....
۱۵۲	۲-۱- تعریف ریسک.....
۱۵۳	۲-۲- مدیریت ریسک در حیطه نظام بانکی.....
۱۵۴	۲-۳- انواع ریسک های بانکی.....
۱۵۷	۳- استراتژی های احتیاطی مدیریت ریسک.....
۱۵۷	۳-۱- وجود فرهنگ استفاده از استراتژی های احتیاطی مدیریت ریسک.....
۱۵۸	۳-۱-۱- استفاده از استراتژی های مدیریت ریسک ترکیبی.....
۱۶۰	۳-۱-۲- مدیریت ریسک مؤسسات با توجه به ابزارهای مشتقه.....
۱۶۱	۳-۱-۳- نگرش منصفانه به مدیریت ریسک.....
۱۶۵	۳-۲- استراتژی احتیاطی مدیریت ریسک (مدیریت/ قدرت و حسابخواهی).....
۱۶۷	۳-۳- استراتژی های احتیاطی مدیریت ریسک (مدیریت نقدینگی).....
۱۶۹	۴- نظام حسابداری، بازارهای بی ثبات و مدیریت ریسک.....
۱۷۱	۵- شفافیت و ارزش گذاری بدهی ها.....
۱۷۳	۶- آینده مدیریت ریسک با توجه به بحران مالی اخیر.....
۱۷۳	۶-۱- تقویت مقررات احتیاطی در حوزه های سرمایه، نقدینگی و مدیریت ریسک.....
۱۷۴	۶-۲- بهبود شفافیت و ارزشیابی.....
۱۷۵	نتیجه گیری و پیشنهادها.....
۱۷۷	کتابنامه.....

چکیده

ایجاد ثبات اقتصادی در جوامع مختلف و در سطح بین‌المللی یکی از مهم‌ترین عوامل رونق و زمینه‌ساز ایجاد اطمینان مضاعف در سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل برای فعالیت‌های اقتصادی است. بررسی وضعیت اقتصاد جهانی طی چند دهه اخیر بیانگر وقوع بحران‌های اقتصادی متنوعی در جهان است که در زمان‌های مختلف و به دلایل متنوع به‌وقوع پیوسته و منجر به بی‌ثباتی اقتصادی شده است. مطالعه ساختار این بحران‌ها نیز بیانگر نقش بسیار با اهمیت بانک‌ها در وضعیت اقتصاد جهانی است. به‌گونه‌ای که در برخی موارد بانک‌ها به‌صورت مستقیم باعث ایجاد بحران‌های مالی شده و در بسیاری موارد نیز به صورت غیرمستقیم در شکل‌گیری و یا تشدید آن‌ها دخیل بوده‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که نقطه عطف بحران‌های اقتصادی مربوط به بحران اقتصادی اخیر است که از نظر گستردگی، منحصر به فرد بوده و آثار بسیار زیادی بر شاخص‌های مختلف اقتصادی جهان گذاشته است. این بحران نتیجه عملکرد نامناسب بانک‌ها و بی‌گمان برخی دیگر از عوامل اقتصادی بوده و به صورت مستقیم حول شبکه بانکی شکل گرفته است. از آنجا که مدیریت ریسک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترل فعالیت بانک‌ها و ایجاد انعطاف‌پذیری در آن (با توجه به تحولات محیط پیرامونی و درونی) مورد استفاده است، از این‌رو در مقاله حاضر سعی بر این است که ابتدا دلایل بحران و ریسک‌های بانکداری به‌صورت اجمالی مورد اشاره قرار گرفته و سپس راهبردهای احتیاطی مؤسسات مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه ضمن تشریح کامل چالش‌های مدیریت ریسک با توجه به بحران کنونی، زمینه‌هایی چون راهبردهای احتیاطی در ابعاد (فرهنگی، حسابخواهی و مدیریت نقدینگی)، عواملی از قبیل رعایت شفافیت در گزارشگری مالی، مقررات حسابداری و مدل‌های ریسک مناسب و کارا در بانک‌ها مورد تبیین قرار خواهد گرفت. سرانجام راهکارهای اصلاحی برای استفاده مؤثر از ابزارهای مدیریت ریسک و افزایش کارایی نظام مدیریت ریسک کنونی بانک‌ها پیشنهاد می‌شود، ضمن اینکه این راهکارها به دورنمای آتی مدیریت ریسک در بانک‌ها نیز توجه دارد.

کلمات کلیدی: مدیریت ریسک، اقتصاد، شبکه بانکی، بحران مالی.

مقدمه

بحران مالی اخیر برخی نقاط ضعف اساسی بخش بانکی را آشکار ساخت. در این راستا اشتباه بسیاری از مؤسسات مالی و بانکها در ارزشیابی ریسک بالقوه قابل تصور است. تقبل ریسکهای حساب نشده، همچنین عدم ذخیره‌گیری کافی، سرمایه نامتناسب با ریسک، اطمینان کاذب این مؤسسات و خطای آنان در شناسایی و درک پویایی تغییرات در بخش مسکن سبب شد تا دنیا با یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های اعتباری در نظام سرمایه‌داری مواجه شود. ترکیبی از خوشبینی نسبت به آینده رشد اقتصادی و افزایش قیمت دارایی‌ها، پایین بودن نرخ بهره برای مدت طولانی و نامتقارن بودن اطلاعات بین وام‌گیرندگان و مؤسسات مالی ارائه‌کننده اعتبار نیز در ایجاد این وضعیت مؤثر بوده است. در این راستا کمیته نظارت بال در نشستی تحت عنوان: "نقش بانکداری و نظارت بانکی در ثبات مالی" به بررسی نقاط ضعف موجود در قوانین، نظارت و مدیریت ریسک بانکهای فعال در سطح بین‌المللی پرداخته و برای جبران نقاط ضعف موجود راهکارهایی ارائه کرده است. هدف اصلی راهکار کمیته بال تقویت ضربه‌گیرهای نقدینگی و سرمایه، تقویت مدیریت ریسک، تقویت اقدامات نظارتی، کاهش ریسک، تمرکز در درون و بین مؤسسات بانکی و افزایش شفافیت بازار است. تقویت ضربه‌گیرهای سرمایه به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های رسیدن به اهداف بیان شده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱- تقویت ضربه‌گیرهای سرمایه^۱ (سرمایه احتیاطی)

کمیته بال به دنبال افزایش نرخ حداقل سرمایه در بحران نیست، لیکن بانکها باید اطمینان داشته باشند که دارای سرمایه کافی بیش از حداقل سرمایه هستند، به‌طوری‌که در شرایط سخت اقتصادی، آن بخشی از پرتفوی‌شان که در معرض خطر قرار می‌گیرد را پوشش می‌دهد. این راهکار منجر به تقویت انعطاف‌پذیری بانکها و تقویت توانایی بانکها در اعطای اعتبار به اقتصاد خواهد شد. به بیان دیگر هدف از این راهکار ایجاد یک بخش بانکی رقابتی و فعال در زمان‌های عادی و انعطاف‌پذیر در شرایط سخت اقتصادی و مالی است. بدین منظور سیاست تقویت سرمایه احتیاطی در سه مرحله انجام خواهد شد:

^۱ Strengthening Capital Buffers

اول - کنترل ریسک^۱

در برخی از دوره‌های اقتصادی نوآوری‌ها به سرعت ایجاد شده و ابزارهای مالی جدید ابداع می‌شوند. کمیته بال درصدد وضع قوانینی است که مدیریت این دوران را تقویت کند. در این راستا برای اقلام زیرخطی که به‌صورت تعهدی ایجاد می‌شوند هم موضوع قانون حداقل سرمایه در نظر گرفته می‌شوند. همچنین طرحی برای تقویت چارچوب سرمایه درمورد پرتفوی دارایی‌های مالی^۲ وجود دارد که ریسک ابزارهای اعتباری با نقدینگی کم را مورد توجه قرار خواهد داد، چرا که ابزارهای مذکور، بسیاری از زیان‌های بخش بانکی را تا امروز موجب شده‌اند.

دوم - کیفیت سرمایه^۳

کمیته بال اهمیت داشتن سرمایه پایه قوی را بررسی می‌کند. یک سرمایه پایه قوی و با کیفیت بالا برای بانک‌ها ضروری است تا بانک‌ها بتوانند زیان‌ها را تحمل کنند و قدرت اعطای اعتبار را در شرایط سخت اقتصادی حفظ کنند. براین اساس کمیته رهنمودی جهانی ارائه خواهد کرد تا عوامل اصلی سرمایه را معرفی کند. چنین تلاشی توانایی رقابتی و احتیاطی بانک‌ها را در آینده تضمین می‌کند.

سوم - همراه با چرخه حرکت کردن^۴

بحران اخیر نشان داد که بانک‌ها در شرایط مساعد اقتصادی نیاز به سرمایه احتیاطی قوی دارند تا در شرایط بحران بتوانند به آن‌ها تکیه کنند. در این صورت ریسک انتقال بحران از بخش مالی به بخش واقعی اقتصاد تعدیل می‌شود.

در این راستا کمیته، روش‌های به‌کارگیری سرمایه احتیاطی را برای تعدیل شوک‌ها و ترغیب به استمرار اعتبار دهی بانک‌ها در شرایط بحران بررسی خواهد کرد. همچنین تقویت استانداردهای حسابداری در مورد ابزارهای مالی بررسی خواهد شد.

از این‌رو در این مقاله ضمن اشاره‌ای مختصر به انواع ریسک‌های بانکی، تقابل نظام‌های مدیریت ریسک با بحران مالی اخیر و چالش‌های آن مورد بررسی قرار گرفته و با مدنظر قرار

^۱ Risk Capture

^۲ Trading Book

^۳ Quality of Capital

^۴ Pocyyclicality

دادن چشم‌انداز آتی مدیریت ریسک با توجه به بحران مالی حاکم، پیشنهادهایی برای حفظ ثبات در مؤسسه و پرهیز از ریسک‌های قابل اجتناب ارائه می‌شود.

۲- مفهوم مدیریت ریسک و طبقه‌بندی انواع ریسک‌ها در فعالیت‌های بانکی

ریسک پدیده‌ای است که زیان بالفعل و مستقیمی را از طریق کاهش جریان درآمدی و زیان سرمایه‌ای به مؤسسه وارد می‌کند. گروهی از اقتصاددانان بروز هرگونه پیشامد و واقعه‌ای که به‌صورت بالقوه از طریق اعمال و ایجاد محدودیت بر ظرفیت و فعالیت‌های سازمان، امکان تحقق اهداف سازمان را متزلزل کند، ریسک تعریف می‌کنند. بنابراین ریسک را می‌توان به عنوان امری ذاتی و تفکیک‌ناپذیر از نظام اقتصادی بازار ارزیابی کرد که متعاقب آن تعریف، شناسایی و اندازه‌گیری پدیده‌های ریسکی در حوزه فعالیت‌های مالی و اقتصادی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

مدیریت ریسک وظیفه جلوگیری از پیش‌آمدهای ناخواسته که بیم روی دادن آن‌ها می‌رود و یا تحلیل نظام یافته ریسک‌های پروژه و واکنش مناسب برای افزایش احتمال رویدادهای مثبت و کاهش احتمال رویدادهای منفی را بر عهده خواهد داشت. فرآیندهای مدیریت ریسک را می‌توان در مجموع به برنامه‌ریزی برای مدیریت ریسک، شناسایی ریسک‌ها، بررسی کیفی و کمی و برنامه‌ریزی برای واکنش به ریسک و سرانجام کنترل ریسک تقسیم‌بندی کرد. کنترل ریسک به‌معنای زیر نظر داشتن ریسک‌های شناخته شده، بازشناسی ریسک‌های تازه، اجرای برنامه کاهش ریسک، ارزیابی نتایج در حین اجرای پروژه و ارائه بازخورد مناسب در این رابطه است.

۲-۱- تعریف ریسک

نظریه ریسک اساساً شاخه‌ای از تئوری احتمالات است که به مبحث تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان اختصاص دارد. در ارتباط با ریسک تعاریف بی‌شماری ارائه شده است. واژه ریسک به‌معنای امکان یا احتمال بروز خطر، خسارت دیدن، کاهش درآمد و ... است.

هرگونه نوسان‌ها در عایدی، زیان بالقوه سرمایه‌گذاری و انحراف از نتیجه حاصل از سرمایه‌گذاری نیز جزو تعاریفی است که تاکنون در ارتباط با ریسک مطرح شده است. با توجه به تعاریف مذکور می‌توان ریسک را به‌صورت زیر تعریف کرد:

"ریسک به معنای احتمال تغییر در مزایا و منافع پیش‌بینی شده در یک تصمیم‌گیری است."

۲-۲- مدیریت ریسک در حیطه نظام بانکی

در حیطه فعالیت بنگاه‌ها و مؤسسات مالی، پذیرش ریسک یکی از اجزای اصلی و غیر قابل انکار در مؤسسات پولی و اعتباری از جمله بانک‌ها محسوب می‌شود. بانک‌ها و مؤسسات مالی اگر بخواهند از کلیه ریسک‌های موجود در این صنعت اجتناب کنند در انزوا و رکود قرار خواهند گرفت. زیرا ارائه خدمات مالی و اعتباری و برخورداری از حاشیه سود مطمئن منوط به ارتباطات گسترده حتی در سطح بین‌المللی بوده و مستلزم پذیرش انواع و سطوح متفاوتی از ریسک‌های موجود در این زمینه است. در بانک‌ها مسئله ریسک از اهمیت بیشتری نسبت به سایر مؤسسات مالی برخوردار است. این امر ناشی از شرایط ویژه حاکم بر صنعت بانکداری است. دارایی‌های یک بانک اغلب از سپرده‌های مشتریان تأمین مالی می‌شود و بانک‌ها مؤسساتی هستند که با طیف وسیعی از بنگاه‌های اقتصادی و زوایای مختلف زندگی مردم در ارتباط هستند. بانک‌ها به‌عنوان فعالان اصلی بازار پولی در راستای تصمیمات اقتصادی بانک مرکزی با قبض و بسط اعتبارات بانکی و هدایت وجوه از بخشی به بخش دیگر بر عملکرد متغیرهای کلان اقتصادی اثر می‌گذارند.

به رغم تمامی مسائل ذکر شده بانک‌ها ناچارند در رقابتی فشرده با هم و با سایر مؤسسات مالی برای حفظ حاشیه سود خود فعالیت کنند تا از یک سو پاسخگوی سپرده‌گذاران خود باشند و از سوی دیگر رضایت مدیران و صاحبان سرمایه را جلب کنند. مجموعه عوامل ذکر شده پیچیدگی و حساسیت فعالیت بانک‌ها و درجه آسیب‌پذیری این مؤسسات را بیان می‌کند و اهمیت مدیریت ریسک را در صنعت بانکداری نشان می‌دهد.

طی سال‌های اخیر، به رغم تخصیص حجم عظیمی از منابع مالی از طریق بانک‌های مختلف دنیا، شاهد بحران‌ها، زیان‌ها و حتی ورشکستگی‌های متعدد بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی بوده‌ایم. بانک‌های موفق نیز به دلایل مختلف از قبیل هزینه‌های سنگین ناشی از نوسان‌های نرخ ارز، بهره، تورم و یا عدم بازپرداخت تسهیلات با بحران‌های متعددی مواجه شده‌اند. حیطه وسیع عملکرد بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی در جذب منابع عظیم و به‌کارگیری آن در بخش‌های مختلف اقتصادی در شرایط متفاوت و مواجهه آن‌ها با عوامل مختلف در زمینه‌های ارزی و غیره، همگی اقتضا می‌کند که ریسک از ابعاد مختلف و با توجه به انواع عملیات بانکی و درجه اهمیت آن‌ها مورد نگرش و بررسی قرار گیرد و در هر مورد عوامل شناسایی شوند و از ابزار مطلوب و مناسب برای مدیریت و کنترل آن استفاده شود.

۳-۲- انواع ریسک‌های بانکی

تاکنون دسته‌بندی‌های مختلفی برای انواع ریسک‌های بانکی ارائه شده است. از این جمله می‌توان به دسته‌بندی‌هایی مانند "ریسک سیستماتیک و غیرسیستماتیک"، "ریسک پویا و ایستا" و یا "ریسک قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی" اشاره کرد. لیکن به‌طور کلی جدول زیر به‌طور جامع بیان‌کننده ریسک‌هایی است که نظام بانکی با آن روبه‌رو بوده است.

انواع ریسک‌های بانکی	
Insolvency Risk	ریسک بی‌مایگی (ورشکستگی)
Credit Risk	ریسک اعتباری
Liquidity Risk	ریسک نقدینگی
Operational Risk	ریسک عملیاتی
Market Risk	ریسک بازار
Interest Rate Risk	ریسک نرخ بهره
Information Technology Risk	ریسک فناوری اطلاعات یا IT
Other Risks (Reputational Risk, Legal Risk, Concentration Risk)	سایر ریسک‌ها (ریسک شهرت، ریسک حقوقی، ریسک تمرکز)

اول- ریسک بی‌مایگی (ورشکستگی)

ریسک بی‌مایگی عبارت است از ناتوانی بانک در بازپرداخت کلیه بدهی‌ها از محل نقد کردن دارایی‌ها به قیمت روز. در صورت وقوع این ریسک حقوق صاحبان سهام منفی خواهد شد.

دوم - ریسک اعتباری

ریسک اعتباری یکی از ریسک‌های اصلی فعالیت‌های بانکی است. با توجه به اینکه یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های اکثر بانک‌ها، اعطای تسهیلات است، چنانچه مشتریان بانک نتوانند به تعهدات خود در بازپرداخت تسهیلات عمل کنند و یا از پرداخت تسهیلات نکول نمایند، بانک را با این ریسک مواجه خواهند کرد. این ریسک تنها به نکول مشتریان از بازپرداخت تسهیلات محدود نشده و تأخیر در بازپرداخت تسهیلات نیز می‌تواند منجر به ریسک اعتباری در بانک‌ها شود. به‌طور کلی می‌توان مدیریت ریسک اعتباری را برای اعطای تسهیلات تحت ۳ قاعده اصلی زیر تعریف کرد.

الف- گزینش

ب- محدودیت

ج- تنوع

الف- گزینش به معنای شناسایی دقیق مشتری و متقاضی تسهیلات است. بدین معنا که بانک می‌بایست هنگام اعطای تسهیلات اصول و شرایط اعطای تسهیلات را که شامل اهلیت، صلاحیت و توان فنی، کشش مالی و وثایق مطمئن را رعایت کند.

ب- محدودیت بیانگر تعیین حداکثر میزان تسهیلات است که بانک‌ها باید به بخش‌های مختلف اقتصادی تخصیص دهند، ضمن اینکه باید همیشه قسمتی از دارایی‌ها را به‌عنوان ذخایر احتیاطی نگهداری کنند.

ج- تنوع در اعطای تسهیلات به معنای تمرکز زدایی در پرداخت وام و تقسیم‌بندی تسهیلات براساس بخش‌های مختلف اقتصادی و مناطق جغرافیای مختلف است. بدیهی است که بانک‌های بزرگ که سرمایه بیشتری در اختیار دارند در تنوع بخشی به تسهیلات خود مزیت بیشتری نسبت به سایر بانک‌ها دارند.

سوم - ریسک نقدینگی

بانک‌ها به چهار دلیل زیر نیاز به نقدینگی دارند:

اول- به‌عنوان تکیه‌گاهی برای جایگزین کردن منابع خروجی از بانک.

دوم- برای جبران وجوهی که انتظار می‌رود به بانک وارد شود، لیکن تحقق نمی‌پذیرند.

سوم- به‌عنوان منبعی برای بازپرداخت بدهی‌هایی که سررسید شده‌اند.

چهارم- به‌عنوان منبعی برای پذیرش معاملات جدیدی که مناسب و مطلوب هستند.

ریسک نقدینگی زمانی اتفاق می‌افتد که بانک‌ها نتوانند یکی از موارد ذکر شده را برآورده کنند.

بانک‌ها همواره باید مطمئن باشند که دارای ترکیب بهینه‌ای از دارایی‌ها و بدهی‌ها بوده و

براساس آن میزان نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین کنند. انتخاب و گزینش منابع مختلف نقدینگی

در بانک‌ها به مسائل مختلفی بستگی دارد. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تخمین نقدینگی مورد نیاز

- دسترسی به بازارهای نقدینگی

- راهبرد مدیریت

- هزینه‌ها و ویژگی‌های مختلف نقدینگی

- پیش‌بینی نرخ بهره

وضعیت نقدینگی بانک را می‌توان به‌صورت یک نمودار زمانی از منابع و مصارف بیان کرد که بانک‌ها باید شکاف نقدینگی موجود میان محدودیت‌های قابل پذیرش را مدیریت کنند. ریسک نقدینگی اغلب در فعالیت‌های بانکی پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است. زیرا بانک‌ها عموماً اقدام به گردآوری منابع با سررسیدهای کوتاه‌مدت و اعطای وام و تسهیلات بلندمدت از محل این منابع می‌کنند. در واقع شکاف بین سررسید دارایی‌ها و بدهی‌های بانک منجر به ریسک نقدینگی خواهد شد.

چهارم - ریسک عملیاتی

ریسک عملیاتی عبارت است از ریسک ناشی از اشکال در کنترل‌های داخلی، خطای انسانی و حوادث غیرمترقبه که در فعالیت عادی مؤسسات بانکی اختلال ایجاد می‌کند. ریسک عملیاتی یک مسئله کیفی است. از نمونه‌های این ریسک می‌توان به اختلال در سیستم رایانه‌ای، خطای انسانی، زلزله، سیل و طوفان و یا هر عاملی که فعالیت بانک را مختل کند، از دست دادن کارکنان کلیدی و اعتصاب اشاره کرد.

پنجم - ریسک بازار

ریسک بازار عبارت است از زیان ناشی از تغییرات قیمت دارایی‌های قابل خرید و فروش در اقلام بالای خط و پایین خط ترازنامه. دارایی‌هایی که توسط بانک‌ها به منظور درجه نقدشوندگی بالا نگهداری می‌شوند در معرض این نوع ریسک قرار دارند.

ششم - ریسک نرخ بهره

ریسک نرخ بهره به معنای آثار تغییر نرخ بهره بر دارایی‌ها و بدهی‌ها و سرانجام میزان سودآوری بانک است. این ریسک معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که بین سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها و یا نرخ آن‌ها تفاوت وجود داشته باشد.

هفتم - ریسک فنآوری اطلاعات

ریسک فنآوری اطلاعات عبارت است از احتمال بروز زیان ناشی از عدم کفایت سیستم‌های فنآوری اطلاعات. اهمیت استفاده وسیع از سیستم‌ها و شبکه‌های ارتباطی، نرم‌افزارها و

سخت‌افزارهای کامپیوتری در فعالیتهای بانکی، این ریسک را که در واقع شاخه‌ای از ریسک عملیاتی است به‌صورت مجزا مطرح کرده است.

هشتم - سایر ریسک‌ها

ریسک شهرت عبارت است از خساراتی که در نتیجه از بین رفتن شهرت به مؤسسه بانکی وارد می‌شود. ریسک حقوقی عبارت است از زیان حاصله از کاهش ارزش یک دارایی و یا افزایش یک بدهی به دلیل ناآگاهی مؤسسه بانکی از قانون و مقررات جاری و سایر ریسک‌هایی که ممکن است به‌صورت غیرمترقبه به علت عوامل غیر قابل پیش‌بینی رخ دهند.

۳- استراتژی‌های احتیاطی مدیریت ریسک

مدیریت ریسک یکی از ابزارهای بسیار مهم کاهش آثار بحران‌های مالی بر مؤسسات فعال در عرصه اقتصادی به‌خصوص نظام بانکی است. از این‌رو معمولاً استراتژی‌های مورد استفاده در آن حائز اهمیت بسیار بوده و لازم است که با انتخاب استراتژی‌های مناسب امکان استفاده مناسب از این ابزار فراهم شود.

به‌منظور سنجش اثر استراتژی‌های مدیریت ریسک توجه به جنبه‌های مختلف آن حائز اهمیت است. به‌طور کلی استراتژی‌های احتیاطی مدیریت ریسک در حوزه‌های زیر قابل بحث و بررسی هستند.

- فرهنگ
- مدیریت (قدرت مدیریت) و حسابخواهی
- مدیریت نقدینگی

۳-۱- وجود فرهنگ استفاده از استراتژی‌های احتیاطی مدیریت ریسک

منظور از بعد فرهنگی مدیریت ریسک، توجه مجموعه به رویکردهای مختلف مدیریت ریسک بوده و توجه سازمان به استفاده از این ابزار و استراتژی‌های مختلف، آن را در انواع مختلف عملیات موردنظر دارد. ابعاد فرهنگی استراتژی‌های احتیاطی مدیریت ریسک دارای حوزه‌های مختلفی است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۱-۳- استفاده از استراتژی‌های مدیریت ریسک ترکیبی

برای شرکت‌هایی که فعالیت ریسکی انجام می‌دهند دو دیدگاه در مورد ریسک وجود دارد. دیدگاه اول این است که آن‌ها هر زمان که بخواهند می‌توانند از ریسک اجتناب کنند و آن را از خود دور سازند، در حالی که دیدگاه دوم بدین نکته اشاره دارد که برخی از ریسک‌ها اجتناب ناپذیر بوده و مؤسسات تا پایان عملیات ایجاد کننده آن ریسک، می‌بایست ریسک مورد نظر را پذیرا باشند. شاید در حالت معمول افراد معتقد به دسته اول در مراودات تجاری خود سعی در انتقال ریسک داشته باشند، لیکن هنگام بروز بحران‌های مالی و برخی شوک‌ها، زمان لازم برای انتقال ریسک وجود ندارد و بعضاً کنش‌های بازار مانع از انتقال ریسک می‌شود. از این‌رو منطقی به نظر می‌رسد که تمامی مؤسسات معتقد به هر یک از دو رویکرد مذکور، همواره امکان عدم انتقال ریسک را مدنظر داشته و وضعیت خود را درحالی که امکان انتقال ریسک وجود ندارد نقد و ارزیابی کنند.

یکی از ابزارهای مدیریت ریسک استفاده از پوشش‌های بیمه‌ای توسط مؤسسات مختلف است. توجه به شرایط حاکم بر فعالیت مؤسسات، عموماً منجر به پیچیدگی استراتژی‌های مدیریت ریسک می‌شود و عواملی از قبیل پیچیدگی محصول، ترکیبات متوالی و متعدد خدمات بیمه‌ای و محصولات مالی، برنامه‌ریزی برای دوره‌های طولانی مدت و لزوم به‌کارگیری پیش‌بینی‌ها و ... هر یک از آن‌ها عواملی هستند که در یک محیط اقتصادی کم نوسان هم، چالش‌هایی را به‌دنبال دارند. حال با توجه به بروز شوک‌های اقتصادی و بحران‌های مالی و دیگر عوامل غیرقابل پیش‌بینی، پیچیدگی‌های مدیریت ریسک چندین برابر شده و استراتژی‌های مربوط به مدیریت ریسک را نیز با عوامل پیچیده‌تری مواجه می‌کند.

استراتژی‌ها با توجه به رویدادهای آتی و برآورد زمانی از تحولات بازار دارای رویکردهای پویایی هستند، به‌عنوان مثال؛ در بازارهای با ثبات

- انتقال ریسک‌های بلندمدت

- استفاده از قیمت‌های بازار در قیمت‌گذاری ریسک

- سرمایه مورد نیاز کمتر

و در بازارهای دارای نوسان

- انتقال ریسک‌های بلندمدت

- استفاده از داده‌های تاریخی و ملاحظات آماری در قیمت‌گذاری

- سرمایه مورد نیاز بیشتر وجود دارد. به هر حال استراتژی‌ها بایستی پویا بوده و با در نظر داشتن زمان و تحولات آتی مورد استفاده قرار گیرد.

استراتژی‌های مربوط به تنوع بخشی با توجه به محصولات، کمتر در حوزه مدیریت سرمایه و قیمت‌گذاری مورد بحث قرار می‌گیرد. به عنوان مثال برای ذخیره محصولات^۱ به انتقال ریسک‌های بلندمدت، استفاده از قیمت بازار در قیمت‌گذاری ریسک و سرمایه مورد نیاز کمتر، توجه شده و برای محصولاتی که در آینده نزدیک ایجاد درآمد می‌کنند^۲، پذیرش ریسک طولانی مدت، استفاده از داده‌های تاریخی طولانی مدت و سرمایه مورد نیاز بیشتر، مورد توجه است.

عامل کلیدی، نگهداری مجموعه‌ای از محصولات برای ثبات میزان سرمایه مورد نیاز در دوره زمانی معین است. به عبارت دیگر، هدف داشتن مجموعه محصولاتی است که برآیند انواع ریسک‌های آن‌ها منجر به استراتژی‌هایی شود که ثبات سرمایه مؤسسه را به دنبال داشته باشد، با توجه به این امر استفاده از استراتژی ترکیبی ریسک در این حوزه می‌تواند در مدیریت مناسب سرمایه و بی‌گمان ریسک بسیار مفید واقع شود.

یکی دیگر از کاربردهای مفید استراتژی‌های ترکیبی در مدیریت ریسک امکان به کارگیری بیمه‌ها در پوشش‌های ریسک است. زمانی که ترکیبی از محصولات مختلف با درجات ریسک متفاوت وجود دارد، این امکان برای شرکت‌ها و مؤسسات بیمه فراهم خواهد شد که با در نظر داشتن پرتفوی محصولات مؤسسه به ارائه خدمات بیمه‌ای برای پوشش ریسک‌ها بپردازند. بدیهی است که مؤسسات بیمه به دنبال بهترین دارایی‌های مؤسسات برای ارائه خدمات بیمه‌ای هستند، در حالی که خود مؤسسات بیمه نیز امکان اعمال نرخ‌های متفاوت بر روی این دارایی‌ها را نداشته و ناگزیر به دریافت حاشیه سود بسیار پایین برای این دسته از دارایی‌ها می‌باشند. با توجه به این امر عملاً جریان درآمدی مؤسسات بیمه کفایت لازم را ندارد و نسبت‌های بازده آن‌ها کاهش خواهد یافت. با آگاهی از این امر عملاً بیمه‌ها نیز به دنبال تنوع بخشی سبد درآمد خود بوده و بیمه‌ها نیز سببی از محصولات متنوع با درجات ریسک مختلف را مورد نظر دارند. این کار به شرکت‌های بیمه کمک می‌کند تا از سویی دارایی‌های خود را تنوع بخشیده و از دیگر سو جریان‌های درآمدی خود را بهبود بخشند.

به بیان دیگر می‌توان اذعان داشت که استفاده از استراتژی‌ها مدیریت ریسک ترکیبی نه تنها برای مؤسساتی چون بانک‌ها امکان مدیریت ریسک مؤثرتر را فراهم می‌سازد و در مدیریت

^۱ Accumulation Product

^۲ Income Product

سرمایه آن‌ها که یکی از چالش برانگیزترین مباحث بانکداری است، کمک شایانی می‌کند، بلکه به دیگر مؤسسات فعال در حوزه‌های وابسته به بانک‌ها (مانند مؤسسات بیمه) نیز امکان می‌دهد که با تمایل بیشتری به ارائه خدمات به بانک‌ها بپردازند و این کار مدیریت مؤثرتر ریسک محصولات و فعالیت‌های بانکی (از طریق بیمه کردن برخی فعالیت‌های بانکی و پوشش برخی از ریسک‌ها) را به دنبال خواهد داشت.

۲-۱-۳- مدیریت ریسک مؤسسات با توجه به ابزارهای مشتقه

مدیریت ریسک در مؤسسات به وسیله ابزارها و روش‌های متنوعی انجام می‌شود که یکی از آن‌ها به کارگیری ابزارهای مشتقه است. این ابزارها همان گونه که از اسم آن‌ها قابل استنتاج است، مشتق از دارایی دیگری بوده و طراحی آن‌ها برای مدیریت ریسک انجام شده است. در بحران‌های مالی و شوک‌های اقتصادی، مؤسساتی که اعتقاد واقعی به نظام مدیریت ریسک در مؤسسات خود داشته و اصول آن را از نظر محتوایی مورد عمل قرار می‌دهند، دارای فعالیت‌های کنترل شده‌تری هستند. به گونه‌ای که برآیند عملیاتشان حداقل نوسان را برای وضعیت مالی آن‌ها به دنبال دارد.

یکی از مهم‌ترین اهداف مدیریت ریسک در مؤسسات، حرکت برای تحقق اهداف مؤسسه است و اینکه نقطه بهینه ریسک و بازده با توجه به مجموعه محدودیت‌ها تعیین شود. بخشی از عملکرد مدیریت ریسک در مؤسسه، تابع فعالیت عوامل خارجی است. بدین معنا که گاهی برای مدیریت ریسک‌های خاصی، از اطلاعات مؤسسات خارجی مانند مؤسسات رتبه‌بندی استفاده می‌شود و در مواقعی که این اطلاعات از درستی و روایی لازم برخوردار نباشد، مدیریت ریسک از کارایی لازم برخوردار نبوده و حتی با وجود ساختار کنترل ریسک قوی در مؤسسه، عملاً مدیریت ریسک از کیفیت لازم برخوردار نخواهد بود.

توجه به استفاده از ابزارهای مشتقه و گزارش دارایی‌های مرتبط با آن در ترازنامه مؤسسات بیانگر این مهم است که طبقه‌بندی این دارایی‌ها از نظر کیفیت دارایی براساس اطلاعات مؤسسات رتبه‌بندی انجام شده و سرمایه‌گذاران و قانونگذاران با در نظر داشتن کیفیت این دارایی‌ها، حدود نوسان‌های ترازنامه مؤسسات، به خصوص بانک‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این ارزیابی از سویی به نوسان‌های دارایی‌های مؤسسات خریدار ابزار مشتقه توجه دارد و از دیگر سو نوسان‌های بدهی شرکت‌های منتشر کننده را در بر می‌گیرد.

با توجه به اهمیت اهرم مالی، بسیاری از مؤسسات به دنبال کوچک کردن دارایی‌ها و بدهی‌های خود هستند تا بتوانند از اهرم بیشتری استفاده کنند. در این راستا ابزارهای مشتقه با توجه به ویژگی‌های خاصی که دارند می‌توانند در این فرایند ایفای نقش کنند و ضمن حفظ رویه معمول معاملاتی، آثار کمتری بر حجم دارایی‌های ترازنامه داشته باشند. می‌بایست توجه داشت که استفاده از ابزارهای مشتقه برای تحقق استراتژی‌های شرکت از تمامی جوانب نامناسب نیست، بلکه در بسیاری موارد آثار مناسبی نیز دارد. از این‌رو توجه به نوع خاصی از معامله ابزار مشتقه در مقایسه با معاملات سنتی ممکن است از نظر ماهیتی مواردی را به دنبال داشته باشد که در شکل گزارش‌های مالی قابل شناسایی نیست. در مواردی از این قبیل مدیریت ریسک بعضاً امکان ارزیابی دقیقی از ریسک مؤسسه را نداشته و در صورتی که ضعف نظارتی نیز در حوزه ریسک مشاهده شود، عملاً منجر به بی‌کفایتی نظام مدیریت ریسک می‌شود.

توجه به الزامات بازار در مورد مدیریت ریسک گاهی منجر به ایجاد مدیریت ریسک به صورت شکلی در مؤسسات شده و این امر ارزیابی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بدین معنا که با ایجاد ساختار مدیریت ریسک، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان انتظار فعالیتی هموار از مؤسسه را دارند و از آنجا که ساختار ایجاد شده فقط به‌صورت شکلی است و از نظر محتوایی عملاً مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، مؤسسه دچار بحران شده و دیدگاه حاکم بر مدیریت ریسک و مفهوم عام آن مورد نقد قرار می‌گیرد.

۳-۱-۳- نگرش منصفانه به مدیریت ریسک

در مواقع بروز بحران‌های مالی، به‌خصوص بحران اخیر، ضرورت داشتن مدیریت ریسک به معنای واقعی دوباره بر همگان آشکار شد. همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد مدیریت ریسک به‌عنوان ابزاری بسیار مهم در مدیریت بحران می‌تواند اثرگذار باشد، اما لازمه اینکار وجود مدیریت ریسک واقعی در مؤسسه به جای قالب و شکل ظاهری آن است. با توجه به بحران اخیر، برخی موارد که می‌توانند در دانش نگرش منصفانه به مدیریت ریسک رهنمون تمامی مؤسسات، به‌خصوص مؤسسات مالی شوند عبارت است از:

الف - کامل نبودن مدل‌های ریسک

بیشتر صاحب‌نظران از نداشتن کفایت مدل‌های مدیریت ریسک آگاهی دارند. این مدل‌ها معمولاً قابل ارزشیابی بوده، لیکن از تمامی جنبه‌ها کامل نیستند. مفروضات این مدل‌ها نیز معمولاً دچار تغییر شده و نیازمند بازنگری هستند.

می‌بایست توجه داشت که مدیریت ریسک با تاکید بیش از حد مدیران فقط بر مدل‌های ریسک به مخاطره می‌افتد و در نظر داشتن محدودیت‌های مدل‌ها، مفروضات مورد استفاده در آن‌ها، روند تاریخی ریسک‌ها و قضاوت حرفه‌ای برای مدیریت مؤثر ریسک امری ضروری است.

ب- مشکلات حباب‌ها

با شکل‌گیری بحران اخیر، حباب ایجاد شده در بخش مسکن کاملاً مشهود بوده و مقایسه قیمت‌ها و روند سایر شاخص‌های مربوط به مسکن بعضاً در ۷۵ سال اخیر بی‌سابقه بوده است. اما برخی رویدادهای غیرمنتظره به وقوع پیوست. محصولات با وثیقه رهنی ریسکی هیچ‌گاه در مجموعه معاملات بانک‌ها به درستی شناخته نشد و این قبیل محصولات حباب‌ها را تشدید کرد. اما هرگاه که تعریف حباب‌های اقتصادی نیز امکانپذیر باشد، تعیین زمان از بین رفتن حباب‌ها و چگونگی رفع آن‌ها بسیار مشکل و بعضاً غیرممکن است. با توجه به این امر درسی که از وقوع حباب‌ها و ارتباط آن با ریسک‌ها می‌توان آموخت، این است که بعضاً شناسایی حباب‌ها کار چندان مشکلی نیست، لیکن نحوه حضور در این دوران و استقرار مدیریت ریسک متناسب با آن کاری بسیار دشوار است. به عبارت دیگر زمانی که حبابی شناسایی شود، سازوکارهای اخطاردهی و احتیاطی می‌بایست فعال شده و نظام‌های مدیریت ریسک را درخصوص حباب ایجاد شده آگاه کند، ضمن اینکه در شرایطی این چنینی توجه به قضاوت‌های حرفه‌ای در انتخاب و تغییر مدل‌های ریسک ضروری است.

ج- اهمیت سیال بودن

با رونق بازار مسکن، نقدینگی جهانی به سمت دارایی‌های با پشتوانه رهنی جریان یافت و کاهش نرخ بهره منجر به تشدید رونق بازار مسکن و شدت شکل‌گیری حباب شد. حرکت نقدینگی ارزان قیمت به سمت معامله‌کنندگان دارایی‌های با پشتوانه وثیقه رهنی منجر به بی‌توجهی آن‌ها به مقوله ریسک و وثایق دارای ریسک بالا شده و به نوعی مدیریت ریسک در سایه حباب ایجاد شده مقهور ماند.

معمولاً در صورت خروج نقدینگی، بازگشت دوباره آن بسیار مشکل است. نقدینگی دارایی‌های با پشتوانه وثیقه رهنی زمانی که وام‌گیرندگان توانایی بازپرداخت وام‌های خود را نداشته و قیمت مسکن نیز کاهش یافت، از این بخش خارج شد.

در گستره‌ای بزرگتر، موجودیت برخی مؤسسات نیز که در این حوزه مشغول فعالیت بودند با چالش مواجه شد و در نتیجه این کار، مؤسسات ابتدا مجبور شدند که حجم زیادی از وثایق خود را بفروشند تا نقدینگی لازم را تأمین کنند. اینکار موجب افول آن‌ها شده، لیکن در مراحل بعدی از آنجا که عمق بحران فراتر از تأمین نقدینگی از طریق فروش بخش کوچکی از وثایق بود، دوباره مجبور به فروش وثایق بیشتری شده و افول یافتند.

همزمان با رویدادهای مذکور بازار وثایق اشباع شده و برای تبدیل به‌وجوه نقد وثایق با مشکل مواجه شد. در این حالت مؤسسات با شوک مواجه شدند و نیاز به نگهداری نقدینگی در آن‌ها افزایش یافت، از این‌رو مجبور شدند که وثایق خود را با بهایی بسیار کمتر از ارزش واقعی وثیقه به فروش برسانند.

نقدینگی (و به تبع آن اعتبار) در زمان وجود خود کاملاً مشخص و قابل مشاهده است، لیکن به سرعت قابل از بین رفتن بوده و بازگشت آن نیز کند انجام می‌شود، از این‌رو توجه به نقدینگی و ویژگی‌های خاص آن، در مدیریت ریسک مؤثر بسیار ضروری به‌نظر می‌رسد.

د - آمادگی برای مواقع خطر

وجود وجه نقد برای مواجهه با مواقع اضطراری امری است که فعالان مالی (اشخاص حقیقی و حقوقی) بدان توجه داشته و در ادبیات مالی به‌عنوان مدیریت سرمایه مورد اشاره قرار می‌گیرد. این امر حتی برای اشخاص حقیقی عادی نیز مصداق داشته و بسیاری معتقد به نگهداری ذخایر نقدی برای خود هستند. همین اشخاص زمانی که بازار نشانه‌های مساعدی نشان می‌دهد سعی در اهرم مالی کردن و تأمین مالی از طریق بدهی دارند تا بازدهی فعالیت‌های آنان را مضاعف کرده و نرخ بازده سرمایه را افزایش دهد. اما به محض اینکه بازار دچار بحران می‌شود، فعالان بازار به سرعت سعی در خارج کردن فعالیت‌های اهرمی خود می‌کنند و به تسویه بدهی‌هایشان می‌پردازند که این امر منجر به افول بازار و کاهش فعالیت آن‌ها در بازار می‌شود. چنین روندهایی به نوعی بیانگر گوش به زنگ بودن فعالان تجاری برای آگاهی از شاخص‌های بازار است. بدین معنا که مدیریت ریسک با توجه به دوره رونق ناپیوستی فعالیت احتیاطی خود را از دست داده و بی‌محابا به فعالیت‌های پرریسک مؤسسه صحنه گذارد. شاید

توجه به حداقل‌های مورد نیاز برای مواقع اضطراری به‌عنوان راهکارهای اولیه برای جلوگیری از فعالیت‌های سوداگرانه مؤسسات و سپس عقب‌نشینی در حالت رکودی از بازار ضروری بوده و یک نظام ریسک مناسب همواره نگرشی توأم با احتیاطی منطقی را به مدیران توصیه می‌کند.

هـ- عمومی بودن فعالیت‌های ریسکی

سرانجام می‌بایست اذعان داشت که فعالیت‌های ریسکی و مشکلات مربوط به آن می‌تواند برای همه وجود داشته باشد. در این حوزه تنها خریداران و فروشندگان تحت تأثیر بی‌ثباتی بازار و بحران‌های به‌وجود آمده نیستند بلکه:

- همسایگان مالکان خانه‌ها و سوداگران دارایی‌های فیزیکی نیز که برای تحصیل خانه‌های خود استقراض کرده‌اند دچار بحران شده و شاهد کاهش ارزش دارایی‌های آن‌ها، مصادره املاکشان و ... هستیم.

- واحدهای تابعه و وابسته که از نظر نقدینگی دارای وضعیت مساعدی هستند، با فراگیر شدن بحران و تسری آن به واحدهای اصلی خود نیز دچار مشکلاتی می‌شوند.

- رقبا نیز مانند دیگر فعالان به دلیل بحران‌های نقدینگی و رکود بازار سهام و چالش‌های مرتبط با آن در حوزه تأمین منابع و ارزش دارایی‌ها مشکلاتی دارند.

- شرکت‌های عمومی^۱ معمولاً بزرگتر از آن هستند که با بحران مالی ورشکسته شوند، لیکن مشکلات نقدینگی و کاهش ارزش دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها برای آنان نیز وجود دارد.

ریسک فرایندی، انتقال‌پذیر و مسری است. هزینه ریسک عموماً ممکن است منجر به تحمیل هزینه به همگان شود و زمانی که این مشکلات در بخش مالی حادث می‌شود، دامنه فراگیری آن وسیع‌تر می‌شود. از این‌رو مباحث قانونگذاری و نظارت در حوزه مالی بسیار حائز اهمیت است. در این راستا فعالیت ناظران و قانونگذاری برای کاهش ریسک نظام یافته و افزایش شفافیت، ضروری به نظر می‌رسد و لازم است که صنعت بیمه به‌عنوان رکن پیش‌تاز، پوشش بخشی از ریسک ارائه محصولات و ابزارهای کنترل ریسک را برای اشخاص حقیقی و حقوقی امکان‌پذیر کند. با این حال همان‌گونه که توضیح داده شد، مدیریت ریسک در سطح مجموعه شرکت‌ها و مؤسسات و صنایع وجود دارد و توجه به چارچوب کلی آن در اقتصاد جامعه می‌بایست در اتخاذ سیاست‌های مناسب مدیریت ریسک مدنظر قرار گیرد.

^۱ Public

۳-۲- استراتژی احتیاطی مدیریت ریسک (مدیریت/ قدرت و حسابخواهی)

یکی از ریشه‌های بحران مالی اخیر را می‌توان در نبود سازوکار حسابخواهی جست‌وجو کرد که در این بخش مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. نبود حسابخواهی در بازار رهنی با توجه به داده‌های تاریخی به‌روشنی مشاهده می‌شود. به‌صورت عمومی کارشناسان اعتباری بانک‌ها و مؤسسات اعطاکننده وام با ارزیابی وثایق مشتریان به اعطای وام پرداخته و مسئولیت ارزیابی خود را نیز می‌پذیرند. سپس وثایق و تسهیلات اعطا شده در قالب محصولات ثانویه مالی مبادله و یا به شرکت‌های هلدینگ اعطا می‌شد. در سال‌های اخیر افرادی که در زمینه محصولات با پشتوانه وثیقه رهنی فعالیت می‌کردند افزایش یافت و آن‌ها بر روی میزان وثایق برای اطمینان از بازپرداخت تأکید کرده و بر میزان واقعی بازپرداخت توجه لازم را نداشتند.

از سوی دیگر بازار مسکن از دو دیدگاه قابل بررسی است. مسکن برای بسیاری از مردم حالت سرپناه را دارد و برای سکونت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این افراد معمولاً مسکن را برای اقامت خود تهیه می‌کنند و تغییرات ارزشی آن دارای اهمیت بسزایی نیست. از سوی دیگر بسیاری از نهادها از مسکن به‌عنوان نوعی سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند، که بالطبع نوسان‌های قیمت برای آن‌ها بسیار حائز اهمیت است.

نکته‌ای که می‌بایست بدان توجه داشت این است که تفکیک قدرت^۱ از مسئولیت^۲ به ندرت منتج به نتایج مسئولانه می‌شود. درست است که در نظریه، اتخاذ تصمیم با حسابخواهی درخصوص نتایج حاصله توأم است، لیکن اغلب مهارت لازم برای افراد تصمیم‌گیر درخصوص آگاهی از مسئولیت‌های موجود و تحلیل رفتار عقلایی مشتریان وجود ندارد. در بحران اخیر با توجه به نوسان‌های وثایق رهنی در بازار و تغییرات تاریخی آن، نگرش عمیق درباره نتایج حاصله و اثر آن بر مسئولیت‌ها ایجاد نشده و ابعاد مذکور به نحو مناسبی مورد بررسی قرار نگرفت.

نقش حسابخواهی به زمینه‌های مختلف و متعددی قابل تعمیم است. ممکن است که بتوان پوششی را در مقابل عناصر مسئولیت‌پذیری و حسابخواهی ایجاد کرد، لیکن معمولاً این عناصر در ساختار سازمان متبوع حائز اهمیت بوده و لازم است در خصوص مهارت، آگاهی و توانایی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان مؤسسه و اینکه آیا آن‌ها با تحلیل رفتار عقلایی مشتریان اقدام به انجام امور می‌کنند یا خیر، اطمینانی نسبی حاصل شود.

^۱ Authority

^۲ Accountability

از سوی دیگر آشکار است که بحران مالی موجود همیشگی نبوده و دیر یا زود وثایق با افزایش ارزش روبه‌رو خواهند شد. از این‌رو ضروری است که مؤسسات، دارای استراتژی‌های پویایی برای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی باشند، به‌گونه‌ای که اصول کلی مورد استفاده، مرجع قدرت، تصمیم‌گیرنده نهایی و فرایند حسابخواهی در آن مورد توجه کامل قرار گیرد و استراتژی‌های مؤسسه بر مبنای دو عامل مرجع قدرت و حسابخواهی برنامه‌ریزی شود و به حیطه اجرا درآید. بدیهی است که فرایند حسابخواهی، تمامی طیف‌های تصمیم‌گیری را مورد توجه داشته و تصمیمات مربوط به اهرم‌ها و میزان نقدینگی را نیز در بر می‌گیرد. ضمن اینکه توجه به آثار متقابل فرایند مسئولیت‌پذیری و حسابخواهی بر تصمیم‌گیرنده و ذی‌نفع سرانجام میزان اعتماد حاکم را تحت تأثیر قرار داده و در کیفیت ارتباطی آنان حائز اهمیت بسیار است.

بخش دیگری از حسابخواهی و مسئولیت‌پذیری به مؤسسات رتبه‌بندی دارایی‌ها باز می‌گردد. عموماً دارایی‌های مشتقه مؤسسات برای اینکه در بازارهای ثانویه امکان مبادله داشته باشند، به‌وسیله مؤسسات رتبه‌بندی تحت بررسی قرار گرفته و از نظر درجه اعتبار، رتبه‌ای را اخذ می‌کند. در بسیاری موارد رتبه اعتباری دارایی تعیین‌کننده میزان ارزش و بهای مبادلاتی آن بوده و مهم‌تر از آن بر انتظارات خریداران این دسته از دارایی‌ها اثرگذار است. نبود سازوکارهای حسابخواهی منظم و مناسب در خصوص مؤسسات رتبه‌بندی و بی‌توجهی به مسئولیت آنان در مورد تعیین درجه اعتباری دارایی‌ها، یکی دیگر از سازوکارهایی است که در تشدید بحران و شکل‌گیری اولیه آن اثرگذار بوده است. مسلماً در صورت وجود سازوکارهای دقیق برای حسابخواهی از مؤسسات رتبه‌بندی و تدقیق آن‌ها در تعیین درجه اعتباری دارایی‌ها، در میزان معاملات و نرخ معاملات انجام شده اثرگذار بوده و دامنه بحران را تحت تأثیر قرار می‌داد. همچنین توجه به مسئولیت رتبه‌بندی مشتریان نیز در این حوزه قابل طرح و بررسی بوده و گاهی بی‌دقتی مؤسسات رتبه‌بندی و تعیین درجه اعتباری مشتری که مسلماً در میزان اعتبار تخصیصی به مشتری و بازپرداخت‌های آتی وی اثرگذار می‌باشد حائز بحث و بررسی است.

توجه به گستردگی مبادله اوراق بهادار در سطح جهان، پیچیدگی این اوراق و وجود چندین گروه معامله‌گر در گردش هر یک از این دارایی‌ها، ضمن ملحوظ نظر قرار دادن ورود صنایع مشابه صنعت بانکی در این حوزه‌ها (مانند صنعت بیمه)، اهمیت توجه به مسئولیت‌پذیری و حسابخواهی را در مورد مؤسسات رتبه‌بندی دارایی‌ها و مشتریان بیشتر نمایان می‌سازد، از این‌رو استقرار سازوکارهای حسابخواهی در مورد این دسته از مؤسسات امری بسیار ضروری و حائز اهمیت است.

نگاهی به ضوابط و مقررات حاکم بر فعالیت بانک‌ها مانند مقررات حداقل سرمایه مورد نیاز (کفایت سرمایه) نشان می‌دهد که در صورت وجود حداقل سرمایه‌های کافی، در صورت پرداخت وام توسط یک بانک یا نهاد مالی، احتمال دوام آن مؤسسه در صورت نکول وام‌ها بیشتر خواهد بود. توجه به مبادلات پیاپی وام‌ها، تغییر شکل ظاهریشان و استفاده از برخی وام‌ها برای انتشار اوراق بهادار و ثابت بودن بسیاری از متغیرهای نظارتی نشان از بی‌دقتی در مقررات حاکم بر بازار پول و مبادلات آن‌ها دارد. به‌عنوان مثال درحالتی که بانکی اقدام به اعطای وام به بانک دیگر می‌کند، بانک دوم وام دریافتی را به‌صورت اعتبار خرد به افراد مختلف می‌دهد. بانک سوم، اعتبارات خرد را بسته‌بندی می‌کند و به بانک دیگری می‌فروشد و ...، در همه حالت‌های مذکور حداقل سرمایه مورد نیاز مساوی است و نقش تضمین‌کنندگان و انتقال حساب‌ها از بالای ترازنامه به زیرخط و عکس آن به‌گونه‌ای شایسته در محاسبه حداقل سرمایه مورد نیاز منظور نمی‌شود. از این‌رو در صورتی که ساختار مقررات جاری با توجه به خرد شدن یا بسته‌بندی شدن مجدد تسهیلات یا تغییر نام و ماهیت آن، رویه‌هایی را با مدنظر قراردادن وام اصلی به‌صورت یکسان پیشنهاد دهد، وقوع مشکلاتی این چنین بعید به نظر نمی‌رسد.

توجه به رویکردهای محافظه‌کارانه در مورد سرمایه، ذخایر تخصیص یافته و ... از جمله مواردی هستند که بی‌توجهی به آن در ترویج مقررات به‌صورت بالقوه زمینه‌های بروز مشکلات متعدد را می‌تواند فراهم آورد. با توجه به موارد فوق استقرار سازوکارهای حسابخواهی از تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات و استقرار نظامی برای توجه بیشتر قانونگذاران مالی بر قوانین و دستورالعمل‌های موضوعه آن‌ها از جمله مواردی است که به اندازه کافی در خصوص استقرار آن تأکید نشده و این امر در بروز بحران حاضر امری مشهود است.

۳-۳- استراتژی‌های احتیاطی مدیریت ریسک (مدیریت نقدینگی)

بسیاری از علل بحران کنونی را می‌توان در ناتوانی مدیریت ریسک در بخش ارزیابی وام‌های مسکن و ابزارهای پیچیده مالی جست‌وجو کرد. بررسی داده‌های تاریخی بهای مسکن در سال‌های اخیر نشان‌دهنده حبابی به‌صورت کاملاً شفاف نیست، لیکن الگوهای بحران می‌بایست در مدل‌های استفاده شده گنجانده می‌شد. نیاز به وجود این مدل‌ها حائز اهمیت بوده، لیکن نکته درخور توجه، آثار ریسک نقدینگی بر دیگر ریسک‌ها و شکل‌گیری بحران است.

ضمن مدنظر قراردادن مجموعه عوامل بحران، ردپای ریسک نقدینگی در بازار و به خصوص در مواقع فروش دارایی‌ها و تعیین قیمت آن‌ها در بازار کاملاً مشهود بوده و ریسک نقدینگی

حاکم، مانع از امکان فروش دارایی‌ها به قیمت مناسب شده است. از این‌رو ضروری است که مدل‌های ریسک با توجه به اهمیت ریسک نقدینگی مورد کنکاش قرار گیرد و مشکلاتی از این دست نیز در مدل‌ها منظور شود. موریس و شین (۲۰۰۴)، مدل سیاه چاله‌های نقدینگی را به‌عنوان شکل خاص از حرکت قیمت‌ها مطرح کردند و به‌عنوان استراتژی رایج سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت بیان داشتند؛ "سیاه چاله‌های نقدینگی شمایی کلی هستند و به نظر می‌رسد که جنبشی آنی در پاسخ به فعالان بازار به‌عنوان متغیرهایی خارجی باشند. برخلاف توفان گرمسیری، آن‌ها برای گردآوری انرژی بیشتر برای بزرگتر شدن ظاهر می‌شوند. به‌منظور توضیح بخشی از این سازوکار، توجه به تغییر عقاید معامله‌گران در زمان تغییر قیمت‌ها می‌تواند مفید باشد. شوک و استرس موجود در بازار خودش را تغذیه می‌کند. زمانی که قیمت دارایی‌ها کاهش می‌یابد، برخی معامله‌گران برای محدود کردن زیان خود، اقدام به فروش دارایی‌هایشان می‌کنند و این افزایش حجم فروش، موجب کاهش قیمت‌ها می‌شود. چرخه ایجاد شده افزایش بیش از پیش تمایل به فروش و کاهش مداوم قیمت‌ها را به دنبال دارد."

مدیریت ریسک در مؤسسه بر ریسک ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها تأکید دارد، لیکن در بحران حاضر به‌روشنی قابل مشاهده است که ریسک نقدینگی پایه‌های ریسک و وضعیت مالی مؤسسات را مورد تهدید و تخریب قرار داد. به نظر می‌رسد که مدل‌های آتی مدیریت جامع ریسک مجبور به لحاظ کردن آثار خاص ریسک نقدینگی در مدل‌های پیشنهادی خود هستند.

مفهوم پایه ریسک نقدینگی به شانس امکان ناپذیری تأمین نقدینگی برای ایفای تعهدات موجود اشاره دارد، لیکن عدم امکان نقد کردن وثایق به نظر می‌رسد گونه‌ای دیگر از ریسک نقدینگی باشد.

مدیریت نقدینگی و مدیریت سرمایه، وجوه مشترک بسیاری با یکدیگر دارند. نگهداری سهامی که به‌راحتی قابل تبدیل به وجه نقد است به‌عنوان منبع تأمین وجه نقد بوده، هر چند که متناسب کردن جریان نقد دارایی‌ها و بدهی‌ها و یا لاقط بخشی از آن از ضرورت‌های مدیریت نقدینگی است.

با توجه به موارد فوق به نظر می‌رسد که داشتن مدل‌های محاسبه ریسک نقدینگی که ضمن ملحوظ داشتن کلیه اقلام بالای خط و زیرخط ترازنامه، تعامل مناسب این مدل با مدیریت سرمایه و مدیریت ریسک جامع مؤسسه را نیز مدنظر داشته باشد، از ضرورت‌های مدیریت ریسک نقدینگی مؤسسات مالی است.

همچنین تدوین مدل‌های پویای مدیریت جامع ریسک که در مقابل راهبردهای مختلف امکان پاسخگویی داشته باشد می‌تواند در تعیین اثر متقابل ریسک نقدینگی و دیگر ریسک‌ها مفید واقع شود. لیکن آنچه که در این مدل‌ها بسیار حائز اهمیت است، وجود گزینه‌های مختلف در آن‌ها و توانایی پاسخگویی مناسب است. توجه به شرایط کنونی به سادگی بیان می‌کند که شرایط دارایی‌ها ممکن است تغییر یافته و اقلام نقد به غیر نقد، بدهی بابت اقلام زیرخط به اقلام بالای خط ترازنامه و ... تبدیل شود. از این‌رو تدوین مدل‌هایی که این گزینه‌های تبدیل را نیز مورد توجه قرار داده و با ملحوظ داشتن آثار مختلف متغیرهای متعدد اثرگذار بر هم، امکان تدوین راهبردهای مدیریت نقدینگی را امکانپذیر سازد، از چالش‌های امروز مؤسسات، به‌خصوص مؤسسات مالی است.

۴- نظام حسابداری، بازارهای بی‌ثبات و مدیریت ریسک

اطلاعات حسابداری و گزارش‌های ارائه شده به‌عنوان محصولات نهایی این علم، بر مبنای استانداردهای حسابداری و رویه‌های حاکم بر آن تهیه می‌شود. وجود سازمان‌های تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری در سطح کشورهای مختلف و بین‌الملل منجر به وجود استانداردهای معینی برای استفاده‌کنندگان این علم شده است، لیکن معیارهای شناسایی، ارزشیابی و گزارشگری رویدادهای مالی در آن حائز بحث و بررسی است. بخش اعظمی از اطلاعات مالی گزارش شده مؤسسات بر مبنای بهای تمام شده تاریخی^۱ بوده و لزوماً بیانگر بهای مبادله اقلام دارایی و یا تسویه بدهی‌ها نیست. بی‌گمان در مورد برخی اقلام، شناسایی، ارزش و گزارشگری رویدادها بر مبنای ارزش‌های متصفانه^۲ بوده که در نظام حسابداری کنونی جهان نیز با چالش‌های بسیاری به خصوص در حوزه حسابرسی مواجه است.

در بخش گزارشگری اطلاعات، نظام حسابداری کنونی جهان تاکنون رویه مناسبی را برای گزارشگری رویدادها بر مبنای ریسک به‌صورت جامع و رویکرد واحد پیشنهاد نداده است و به نظر می‌رسد که طی دوره‌های آتی نیازمند انجام تغییراتی در حوزه شناسایی، ارزشیابی و گزارشگری اطلاعات مالی است. بدیهی است که در صورت وجود ثبات در بازارها و نوسان‌های اندک اقلام، مدنظر قراردادن معیارهایی چون هزینه - فایده در گزارشگری اطلاعات، مربوط

^۱ Historical Cost

^۲ Fair Value

بودن، قابلیت اتکا و ... رهنمون فرآیندهای گزارشگری و افشای اطلاعات مالی است. اما در بازارهای بی ثبات، همان گونه که در بحران مالی اخیر نیز مشاهده شد، صورت های مالی شرکت ها به هیچ وجه بیانگر واقعیت های ساختار مالی آن ها نبوده است.

به عنوان مثال یکی از مواردی که در گزارش مالی مؤسسات بسیار حائز اهمیت است، میزان سود مؤسسه است. در حال حاضر سود و زیان بر مبنای ریسک حاکم بر فعالیت ها تعدیل نشده و مبالغ گزارش شده برگرفته از اجرای استانداردهای حسابداری در ثبت، طبقه بندی، تلخیص و گزارش رویدادهای مالی است.

به نظر می رسد به عنوان یکی از شاخص های کنترل ریسک لازم است که سود نیز بر مبنای معیارهای ریسک تعدیل شود. اندازه گیری و گزارش سود تعدیل شده بر مبنای ریسک^۱ در موارد زیر قابل استفاده است:

الف- تعدیل سود برای گزارشگری برون سازمانی و استفاده سهامداران و دیگر استفاده کنندگان.
ب- اندازه گیری سود برای استفاده داخلی سازمان و در نظر داشتن پاداش های پرداختی.

برای اندازه گیری سود تعدیل شده بر مبنای ریسک دو دلیل اصلی وجود دارد:

اول اینکه: این رقم به صورت مؤثرتری توانایی مؤسسه را در سودآوری نشان می دهد

دوم اینکه: از تحمل ریسک های بالا به منظور تحصیل سود زیاد جلوگیری به عمل می آید.

در حال حاضر مؤسسات بدون توجه به ریسک، رقم سود خود را گزارش می کنند و استفاده کنندگان در مورد اینکه این میزان سود با تحمل چه میزان از ریسک تحصیل شده آگاهی ندارند. از این رو بسیاری از گروه ها که بر مبنای صورت های مالی تصمیم گیری می کنند (مانند سرمایه گذاران، وام دهندگان، تحلیلگران رتبه های اعتباری و برخی نهادهای قانون گذاری)، در معرض انتخاب نادرست قرار داشته و صرفاً مشاهده رقم سود گزارش شده اطلاعاتی را در مورد عوامل ایجاد سود با توجه به ریسک های پذیرفته شده به آن ها ارائه نمی کنند. از این رو امکان اینکه مؤسسه مورد نظر آن ها ناگاه دچار زیان قابل توجه شود بعید به نظر نمی رسد.

از سوی دیگر با توجه به اینکه در بسیاری از مؤسسات، پرداخت پاداش کارکنان با توجه به میزان سود کسب شده انجام می شود و این معیار به عنوان یکی از معیارهای مهم نظام های انگیزشی مورد استفاده قرار می گیرد، بی توجهی به سود تعدیل شده بر مبنای ریسک می تواند موجب

^۱ Profit on a risk-adjusted basis

ترغیب کارکنان به پذیرش ریسک بسیار زیاد برای بالا نشان دادن سود مؤسسه و در نتیجه دریافت پاداش باشد.

بدیهی است که رفتارهایی از این دست آثار متقابلی را بر نهادهای مالیاتی، سهامداران، سرمایه‌گذاران و غیره می‌گذارد و ناآگاهی آنان بعضاً ترغیب مضاعف کارکنان برای فعالیت‌های پرریسک‌تر را به دنبال دارد.

پیشنهاد تعدیل سود بر مبنای ریسک مطمئناً نیاز به تغییر در استانداردهای حسابداری و صورت‌های مالی مؤسسات دارد که به نظر می‌رسد فرآیند ساده‌ای نباشد. علاوه بر این، تغییر سیستم‌های پرداخت پاداش از دیگر مشکلات این حوزه است.

با توجه به عوامل ذکر شده برای جلوگیری از بروز بحران‌های مالی، گزارشگری مؤثر مؤسسات بسیار ضروری به نظر می‌رسد و سود به عنوان یکی از عوامل مهم در اخذ تصمیمات افراد ذی‌نفع، نیازمند بحث و مذاقه بسیار است. شاید امروزه بیان این مسئله که با گزارشگری سود که بر مبنای ریسک تعدیل شده است، اطلاعات مربوطتری در اختیار ذی‌نفعان قرار گیرد، اما تدوین رویه‌ها و استانداردهای محاسبه آن ضمن، مدنظر داشتن دیگر عوامل (از جمله نظام‌های انگیزشی) از چالش‌های آتی مؤسسات خواهد بود. ضمن اینکه عدم گرایش به این سمت با توجه به مشکلات بیان شده در اطلاع‌رسانی بروز بحران‌های آتی مفید نبوده و لازم است که زمینه‌های استفاده از آن فراهم شود.

۵- شفافیت و ارزش‌گذاری بدهی‌ها

یکی از نکات درخور توجه در بحران مالی اخیر توجه به ماهیت ابزارهای مالی موجود در بازار است. توجه به ادبیات بازارها و توجه به درجه کارایی آن‌ها همواره متضمن توجه ویژه به امر تبادل اطلاعات و ارائه اطلاعات مناسب به بازار است. شفافیت اطلاعات، به موقع و مربوط بودن آن و دیگر ویژگی‌های کیفی اطلاعات از جمله مواردی هستند که بر تصمیم‌گیری فعالان بازار اثرگذار بوده و نوسان‌های بازار با توجه به درجه کارایی آن‌ها متأثر از میزان اطلاعات و کیفیت اطلاعات ارسالی به بازار است.

شفافیت اطلاعات تا حد زیادی تابع روش‌ها و دستورالعمل‌های حسابداری است که از طریق تأثیر بر میزان و ماهیت اقلام افشاء شده در بازار، فعالان اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. می‌بایست توجه داشت که در ادبیات اقتصادی نیز بازبودن بازار با آزادی بی‌حد و حصر آن کاملاً متفاوت بوده و نهادهای نظارتی همواره نظارت بر بازار را مد نظر دارند. اما مبادلات بازار و تغییرات

آن می‌بایست به‌درستی در وضعیت مالی مؤسسات گزارش و افشا شود. در اینجا چالش اصلی نحوه ارزشیابی، طبقه‌بندی و گزارشگری است که تمامی این موارد تابع استانداردهای حسابداری است. حسابداری مالی به‌عنوان یک سیستم اطلاعاتی که از استانداردها به‌عنوان ابزاری برای ارائه گزارش‌های به موقع، مربوط و قابل اتکا استفاده می‌کند، بایستی اطلاعات لازم را برای سرمایه‌گذاران و سایر فعالان بازار فراهم کند. در مورد بسیاری از ابزارهای مالی درجه پیچیدگی به حدی است که تعیین ماهیت واقعی و ارزش منصفانه آن با چالش مواجه بوده و رویه کاملاً درستی برای آن وجود ندارد. از این‌رو در بحران‌های مالی و بازارهای بی‌ثبات که تغییرات مداوم و شوک برانگیز بر بسیاری از مبادلات و ارزش بازار دارایی‌ها حاکم است، استانداردهای حسابداری بایستی از توانایی لازم در ارائه اطلاعات شفاف برخوردار بوده و از طریق تعیین ارزش‌های واقعی در وضعیت مالی مؤسسات، ذی‌نفعان را در برنامه‌ریزی سیاست‌های مالی خود رهنمون شوند. با توجه به اهمیت اقلام بدهی در مؤسسات مالی، این قلم به‌عنوان یکی از چالش‌های تقابل حسابداری و نظام اطلاعاتی بازار مطرح است.

همچنین تأمین مالی مؤسسات مالی اغلب از طریق بدهی بوده و اقلام مالی بخش مهمی از سمت چپ ترازنامه این مؤسسات را تشکیل می‌دهند. حال با استفاده از تکنیک‌های مختلف اهرم مالی، تبدیل به اوراق بهادارسازی^۱ و ... اقلام تشکیل دهنده سمت بدهی ترازنامه بسیار متنوع شده و از نظر ماهیتی نیز بعضاً دارای تفاوت‌های اساسی هستند.

استانداردهای حسابداری ترکیبی از روش‌های بهای تمام شده تاریخی و ارزش منصفانه را برای ارزش‌گذاری اقلام تعیین می‌کند، لیکن مفهوم اصلی ارزش منصفانه بر وجود بازاری برای مبادله تأکید دارد. از این‌رو در بازارهای بی‌ثبات با تغییرات شدید قیمت و بعضاً عدم امکان مبادله در بازار، استفاده از این ارزش با مشکل مواجه است. با توجه به اینکه حسابداری مالی به دنبال ایجاد شفافیت در بازار و گزارشگری مناسب است، استفاده از ارزش‌های منصفانه به این امر کمک می‌کند، لیکن رویه محاسباتی آن باید با توجه به وضعیت‌های بی‌ثبات بازار مورد بازنگری قرار گیرد. بدیهی است که در زمان ثبات بازار، بسیاری از مدل‌ها از کارایی لازم برخوردارند اما محدودیت‌های ایجاد شده در بازارهای بی‌ثبات و توانایی مدل در این بازارها بیانگر کارایی واقعی مدل‌های ارزش‌گذاری است. همچنین با توجه به اهمیت بخش بدهی در ترازنامه بانک‌ها که نشانگر میزان تعهدات قابل پرداخت آن است، تعیین ارزش بدهی‌های مؤسسه بسیار حائز

^۱ Securitization

اهمیت است. به عبارت دیگر تعیین ارزش واقعی آن‌ها و توانایی تأمین مالی مؤسسه، دقیقاً نشانگر امکان استفاده از فرض تداوم فعالیت است. در صورتی که مؤسسه قادر به تأمین مالی نباشد و ارزش بدهی‌های آن به گونه‌ای باشد که دارایی‌ها نتوانند آن را پوشش دهند، لازم است که نظام ارزش‌گذاری و گزارشگری مناسبی این مهم را به اطلاع بازار برساند و از اتخاذ تصمیمات نادرست در بازار جلوگیری شود. کما اینکه در صورت بی‌توجهی به این امر، مشکلات مذکور با تأخیر زمانی به وقوع پیوسته و سرانجام موجب بروز ناطمینانی بسیار زیاد و سوءظن نسبت به دیگر مؤسسات فعال در بازار می‌شود. به عبارتی بخشی از شوک‌های بازار تابع عدم شفافیت و ارزش‌گذاری نامناسب است که بایستی اصلاح شود.

۶- آینده مدیریت ریسک با توجه به بحران مالی اخیر

با توجه به عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری بی‌ثباتی در بازارها و تشکیل بحران‌های مالی، به‌خصوص در حوزه مدیریت ریسک‌های مختلف و مؤسسات ذی‌صلاح در این امر به نظر می‌رسد که تغییرات در خور توجهی در حوزه مدیریت ریسک در صنعت بانکداری حاصل شود. از این‌رو مهم‌ترین تغییراتی که در آینده پیش‌بینی می‌شود عبارتند از:

۶-۱- تقویت مقررات احتیاطی در حوزه‌های سرمایه، نقدینگی و مدیریت ریسک

الف- حداقل سرمایه مورد نیاز

- افزایش میزان سرمایه مورد نیاز در خصوص محصولات اعتباری پیچیده
- در نظر گرفتن ذخایر مضاعف برای وام‌ها و تسهیلات نکول شده برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
- تقویت میزان نقدینگی مورد نیاز برای اقلام زیرخط ترازنامه

ب- نقدینگی

- مقررات احتیاطی جدید درخصوص نقدینگی مورد نیاز و نظارت بر مدیریت نقدینگی
- استفاده از مدل‌های مناسب‌تر مدیریت نقدینگی

ج- دورنمای مدیریت ریسک

- بازنگری در بازل ۲ و توسعه آن در حوزه‌هایی چون:

- ✓ تقویت آزمون حساسیت بانکها در مقابل شرکتها و آزمونهای مربوط به میزان کفایت سرمایه
- ✓ تغییر در نظام رسیدگی و گزارشگری ارزش در معرض خطر اقلام زیر خط ترازنامه
- ✓ تغییر در بسیاری از مدل‌های مدیریت ریسک جامع مؤسسات

۲-۶- بهبود شفافیت و ارزشیابی

الف- افشای قوی ریسکها

- استفاده از گزارش‌های مؤثرتر برای گزارشگری مدیریت ریسک در مقاطع زمانی مناسب
- توجه به رکن سوم بازل ۲ و ایجاد تغییرات ضروری در آن برای تقویت افشای اطلاعات

ب- استانداردسازی ارزشیابی اقلام ترازنامه به خصوص اقلام زیر خط

- این استانداردسازی به خصوص برای بهبود گزارشگری اقلام زیر خط بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

ج- شفافیت در ساختار محصولات

- فعالان بازار و قانونگذاران در مورد نحوه افشای اطلاعات مربوط به دارایی‌ها و اوراق بهادار الزامات جدیدی را تعیین خواهند کرد که موجب ایجاد شفافیت در ساختار محصولات خواهد شد.

د- بهبود نظام‌های حسابداری

- باتوجه به اینکه یکی از چالش‌های حسابداری بحث ارزشیابی و گزارشگری رویدادهاست، به نظر می‌رسد که طی دوره‌های آتی استانداردهای حسابداری رویه‌های جدیدی را درخصوص ارزشیابی رویدادها و بهبود نظام گزارشگری مالی ارائه دهد.

ه- تغییر نقش و کارکرد مؤسسات رتبه‌بندی

مؤسسات رتبه‌بندی باید:

- در رویه‌های تعیین رتبه مشتریان و محصولات تجدیدنظر کنند و سازوکار اجتناب از بروز تضاد منافع را مدنظر داشته باشند.
- درخصوص نوع محصولاتی که رتبه‌بندی می‌کنند، تمایز قائل شده و اطلاعات مفیدتری را ارائه دهند.
- ناظران درخصوص نقش مؤسسات رتبه‌بندی توجه بیشتری داشته باشند.

و- تقویت مراجع و مسئولان مدیریت ریسک

- تقویت اطلاعاتی مدیران ریسک مؤسسات
- توجه بیشتر به مدل‌های ریسک و استفاده از مدل‌های کارا تر
- توجه به فرآیند حسابخواهی از مدیران ریسک در مؤسسات
- اهتمام به توجه ماهیتی به مدیریت ریسک به جای شکل ظاهری آن
- توجه بیشتر ناظران به استقرار واقعی نظام جامع مدیریت ریسک در مؤسسات

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بی‌ثباتی در بازارها و به‌ویژه بحران مالی اخیر، برآیندی از مجموعه عوامل متعددی است که در حوزه مدیریت ریسک شاخصه‌هایی چون ناکارایی مدل‌های ریسک، توجه صرف به مدل‌ها در حوزه‌های معین و بی‌توجهی به حوزه‌ها و نقاط ارتباطی مدل‌ها، و مدیریت نقدینگی، فقدان نظام حسابخواهی و ... بر آن اثرگذارند. با توجه به چشم‌انداز تحولات آتی مدیریت ریسک و انتظاراتی که توسط فعالان بازار، سهامداران و ... از مؤسسات به‌ویژه مؤسسات مالی وجود دارد، به نظر می‌رسد که مدیریت ریسک نیاز به تحولات بنیادی داشته و به‌خصوص در بخش حسابخواهی و استقرار واقعی آن، اهتمام بیش از پیش مؤسسات را در پی داشته باشد. با توجه به این امر پیشنهاد می‌شود که بانک‌ها همواره سازوکارها و رویکردهای زیر را به‌منظور آگاهی از وضعیت ثبات بازارها مدنظر قرار دهند:

اول- داشتن پیش‌بینی جامع از تحولات آتی بازار

مدیریت مالی دقیق می‌بایست توانایی پیش‌بینی تحولات آتی بازار را داشته و از آنجا که تحولات بازار بخش بزرگی از ریسک‌های حاکم بر مؤسسه را متأثر می‌سازد از اهمیت بسزایی برخوردار است. این پیش‌بینی علاوه بر مدیریت ریسک مؤسسه، به نهادها کمک می‌کند که با پیش‌بینی تحولات آتی، ساختار خود را منعطف‌تر کنند و در مواقع بروز بحران‌ها از پویایی بیشتری برخوردار باشند.

دوم- تعریف شاخص‌های کلیدی برای مدیریت ریسک و پاسخگویی در مقابل آن

یک مؤسسه موفق نیازمند شناسایی بسیار شفاف عناصر ریسک اثرگذار بر مؤسسه است. تعریف شاخص‌های کلیدی مدیریت ریسک و همچنین شاخص‌هایی که پاسخگویی مؤسسه را مورد ارزیابی قرار دهند، به مؤسسات کمک می‌کند که امکان پیش‌بینی، شناسایی و کنکاش

دقیق ریسک‌های خود را داشته و در هر برهه زمانی تخمین مناسبی از وضعیت مالی خود داشته باشند.

سوم - تهیه برنامه‌های مناسب مدیریت نقدینگی

تهیه بودجه‌های نقدی، پیش‌بینی سطح نقدینگی مورد نیاز، توجه خاص به مدل‌های ارزیابی ریسک نقدینگی، تهیه برنامه‌هایی برای شناسایی بازارهای تأمین وجه نقد و ... مجموعه عواملی هستند که مؤسسات، به‌خصوص مؤسسات مالی برای کنترل وضعیت نقدینگی مؤسسه خود بدان نیازمندند. با توجه به اهمیت نقدینگی و آثار ویژه آن بر سایر ریسک‌ها، لزوم داشتن برنامه‌ای مدون برای کنترل نقدینگی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

چهارم - استقرار نظامی منظم برای مخارج سرمایه‌ای

ترکیب دارایی‌های مؤسسه از نظر سررسید و میزان نقدشوندگی، تناسب دارایی‌ها و بدهی‌ها از نظر سررسید و ... بخش‌هایی از مدیریت دارایی بدهی هستند که در توانایی تأمین وجه نقد برای مؤسسات بسیار حائز اهمیت هستند. در این راستا توجه به مخارج سرمایه‌ای، داشتن برنامه‌های منظم برای حرکت در این مسیر با توجه به اینکه منجر به مسدود شدن بخشی از منابع مؤسسه می‌شود در خور توجه و رسیدگی است.

پنجم - توجه ویژه به ریسک اعتباری

با توجه به اینکه ریسک اعتباری یکی از بارزترین عناصر ریسک، به‌خصوص برای مؤسسات مالی است و می‌تواند ریسک‌های دیگری مانند، ریسک نقدینگی را نیز به دنبال داشته باشد، اهتمام به مدیریت مناسب ریسک اعتباری، به‌خصوص در مواقعی که محصولات بانکی در چرخه‌ای از مبادلات قرار گرفته و ساختار پیچیده‌ای به خود می‌گیرند، نیازمند توجه ویژه و مداوم است. توجه به ریسک اعتباری و مرتبط کردن مدل‌های ارزیابی آن به دیگر شاخص‌ها همچون، شرایط بازار، بحران نقدینگی و ... از عواملی هستند که می‌بایست در محاسبات و مدل‌های اعتبارسنجی و ریسک اعتباری منظور شوند.

کتاب‌نامه

Basel Committee on Banking Supervision: ***Revision to the Basel 2 market risk framework***. Bank of international settlement, Consultive document, 2009.

Basel Committee on Banking Supervision: ***Guidelines for computing capital for incremental risk in the trading book***. Bank of international settlement, Consultive document, 2009.

Batty, M: ***risk Management and the Financial Crisis: Why Weren't We Protected? risk Management: The Current Financial Crisis, Lessons and Future Implication***, 2008.

Brookhart, M: ***After The Current Financial Crisis: Why Community Banks and Credit unions will have a Winning Hand***, Bank Asset/Liability Management, Vol.24, No.11, 2008.

Kneuer, P: ***bubbles, Cycles and Insurers ERM What Just Happened?, Risk Management: The Current Financial Crisis, Lessons and Future Implication***, 2008.

Meeting the challenges of The Current Financial Crisis, Price Water House Coopers, November 2008.

Mitchell, S. and F. McGarry, J: ***Recent Crisis: Root and Lessons, Risk Management: the Current Financial Crisis, Lessons Learned and Future Implications***, 2008.

Mohan, R: ***Global Financial Crisis and Key Risks: Impaction India and Asia***, Reserve Bank of India, 2008.

Robinson, D: ***Fair value issues and The Sub prime crisis, The 13th Melbourne Morey and Finance Conference***, 2008.

Schmitz, M. C. and J. Forray. S: *The Democratization of Rick management, risk Management: The Current Financial Crisis, Lessons and Future Implication*, 2008.

Shimpi, p: *Reaffirming Your Company's Commitment to ERM in Light of the Financial Crisis, Risk Management: the Current Financial Crisis, Lessons Learned and Future Implications*, 2008.

YU,W: *Mixed Rick Management strategies Diversification That you Can Count on, Rick Management: the Current Financial Crisis , Lessons Learned and Future Implications*, 2008.